خراسان روزنامه صبح ایران
پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۶ . ۲۰ رمضان ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۵۶۰

نخستین همایش «نقد متون و کتب علوم انسانی» برگزار می شود

نخستین همایش «نقد متون و کتب علوم انسانی»، به همت شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می شود. به گزارش خبرگزاری مهر، محورهای این همایش عبارت انداز: مبانی نقد، روش نقد، تجارب حرفه‌ای نقد و چشم انداز نقد مطلوب. این همایش که ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۶ برگزار می شود، در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به ثبت رسیده است.

پیک اندیشه

تمدید فراخوان حضور ناشران ایرانی در نمایشگاه کتاب پکن

فراخوان شرکت ناشران، مؤسسات، نهادها، تشکل های نشر، اهالی قلم و آژانس های ادبی سراسر کشور برای حضور در غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران در نمایشگاه کتاب پکن تمدید شد. به گزارش ایرنا، بیست و چهارمین دوره نمایشگاه کتاب پکن، از اول تا پنجم شهریورماه برگزار می‌شود. جمهوری اسلامی ایران، میهمان ویژه این دوره از نمایشگاه است و به همین دلیل، طی فراخوانی اعلام شده است که علاقه مندان به حضور در نمایشگاه می توانند تا ۳۰ خردادماه، به سایت «icfi.ir» مراجعه و درخواست خود را ثبت کنند. پیشتر، مهلت ثبت نام برای حضور در این رویداد فرهنگی بین المللی، تا ۲۰ خردادماه اعلام شده بود. علاقه مندان به دریافت اطلاعات بیشتر درباره حضور در نمایشگاه کتاب پکن، می توانند با شماره تلفن ۶۶۴۱۵۵۴۰-۰۲۱ تماس بگیرند.

گزارش

فراخوان اعطای تسهیلات برای تاسیس نوسازی و تجهیز کتاب فروشی ها

معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای، شرایط اعطای تسهیلات برای تأسیس، نوسازی و تجهیز کتاب‌فروشی‌ها را در مناطق «کمتر برخوردار» اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، در متن این اطلاعیه آمده است: «با عنایت به قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در اجرای ماده ۴ آیین‌نامه نحوه پرداخت یارانه در حوزه نشر، همچنین، تحقق اهداف سند چشم‌انداز تقویت بنیان‌های اصلی نشر، ایجاد زمینه‌های مناسب تسهیل دسترسی مصرف کنندگان به کتاب، معاونت فرهنگی در نظر دارد نسبت به اعطای تسهیلات مورد نیاز برای تأسیس، نوسازی و تجهیز مراکز فروش کتاب در مناطق کمتر برخوردار اقدام کند. متقاضیان می‌توانند درخواست‌های خود را به انضمام نمونه کاربرگ طرح‌توجیهی به نشانی «ketab.Farhang.gov.ir» تکمیل و ارسال کنند.» ارائه این تسهیلات در پی انعقاد تفاهم‌نامه میان معاونت فرهنگی وزارت ارشاد با بانک شهر که در ایام برگزاری سی‌اُمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به امضا رسید، وارد مرحله اجرایی شده است. همایون امیرزاده، سخنگوی سی‌اُمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، پیش از این، با اشاره به این تفاهم‌نامه گفته بود: تسهیلاتی که برای احداث کتاب‌فروشی‌ها ارائه می‌شود، با نرخ بهره ۸ درصد است. در آغاز معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ارائه تسهیلات تا سقف یک میلیارد تومان، اعتبار در نظر گرفته بود، اما توانست با مدیریت منابع مالی، این مبلغ را تا سقف ۱۰ میلیارد تومان افزایش دهد و بانک شهر نیز، ۱۰ میلیارد تومان اعتبار برای اعطای این تسهیلات ارائه کرد. بازپرداخت این وام ۴۸ ماهه است. همچنین، امیر مسعود شهرام‌نیا، قائم‌مقام نمایشگاه، با اشاره به مفاد تفاهم‌نامه میان بانک شهر و معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توضیح داد: این وام‌ها در مبالغ ۱۰۰، ۲۰۰ و ۳۰۰ میلیونی تعیین شده است. اگر میانگین ۲۰۰ میلیون تومان در نظر بگیریم، حداقل ۱۰۰ تا ۱۵۰ کتاب‌فروش از این وام بهره‌مند می‌شوند. در این طرح، اولویت با مناطق و استان‌هایی است که در زمینه کتاب‌فروشی با کمبود روبه‌رو هستند.

روایت آیت ا... سبحانی از روزهای پایانی زندگانی امیر مؤمنان(ع)

سوگ نامه غروب خورشید عدالت

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

شهادت امیر المؤمنین، امام علی(ع)، برای امت اسلام، ضایعه ای جبران ناپذیر بود. آن حضرت، در روزهای پایانی عمر پربرکتشان، پیوسته همگان را به اتحاد و همبستگی برای مقابله با دشمنان اسلام فرا می خواندند. با این حال، بیشتر مردم، دعوت آن بزرگوار را اجابت نکردند و آن قدر در یاری اش سستی کردند تا دست دشمنان از آستین شقی ترین افراد بیرون آمد و فرق امام(ع) با شمشیر تحجر شکافته شد. آنچه در پی می آید، شرح مختصری از وقایع روزهای پایانی زندگی امیر مؤمنان(ع) است که توسط حضرت آیت ا... جعفر سبحانی، در کتاب ارزشمند «فروغ ولایت»، به رشته تحریر درآمده است.

■ **امر خدا می آید**

امام(ع) در ماه رمضان آن سال پیوسته از شهادت خود خبر می داد. حتی در یکی از روزهای میانی ماه، هنگامی که بر فراز منبر بود، دست به محاسن شریفش کشید و فرمود: «شقی ترین مردم این موها را با خون سرم رنگین خواهد کرد». همچنین فرمود: «ماه رمضان فرا رسید و آن سَرور ماه هاست. در این ماه در وضع حکومت دگرگونی پدید می آید. آگاه باشید که شما در این سال در یک صف (بدون امیر) حج خواهید کرد و نشانه اش این است که من در میان شما نیستم.» اصحاب آن حضرت می گفتند: او با این سخن خبر از رحلت خود می دهد، ولی آن را درک نمی کنیم. به همین جهت، آن حضرت در روزهای آخر عمر، هر شب به منزل یکی از فرزندان خود می رفت. شبی را نزد فرزندش حسن(ع) و شبی نزد فرزندش حسین(ع) و شبی نزد دامادش عبدا... بن جعفر، شوهر حضرت زینب(ع) افطار می کرد و بیش از سه لقمه غذا تناول نمی فرمود. یکی از فرزندانش سبب کم خوردن وی را پرسید. امام(ع) فرمود: «امر خدا می آید و من می خواهم شکمم تهی باشد. یک شب یا دو شب بیشتر نمانده است».

■ **وعده صادق**

در شب شهادت، افطار را میهمان دخترش امّ کلثوم بود. هنگام افطار، سه لقمه غذا خورد و سپس به عبادت پرداخت و از اوّل شب تا صبح در اضطراب وتشویش بود. گاهی به آسمان نگاه می کرد و حرکات ستارگان را در نظر می گرفت و هر چه طلوع فجر نزدیک تر می شد تشویش و ناراحتی آن حضرت بیشتر می شد و می فرمود: «به خدا قسم، نه من دروغ می گویم و نه آن کسی که به من خبر داده دروغ گفته است؛ این است شبی که مرا وعده شهادت داده اند.» این وعده را پیامبر اکرم(ص) به وی داده بود. علی(ع) خود نقل می کند که پیامبر(ص) در پایان خطبه ای که در فضیلت و احترام ماه رمضان بیان فرمود، گریه کرد. عرض کردم: چرا گریه می کنی؟ فرمود: برای سرنوشتی که در این ماه برای تو پیش می آید: «کَأَنِّی بِکَ وَ أَنْتَ تُصَلِّی لِرَبِّکَ وَ قَد انْبَعَثَ أَشْقَی الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ شَقِیقُ عَاقِرِ نَاقَةِ ثَمُودَ فَضَرَبَکَ ضَرْبَةً عَلَی قَرْقِکَ فَخَضَّبَ مِنْهَا لِحْیَتَکَ». یعنی: گویا می بینم که تو مشغول نماز هستی و شقی ترین مردم جهان، همتای کشنده ناقه ثمود، قیام می کند و ضربتی بر فرق تو فرود می آورد و محاسنت را با خون رنگین می کند.

■ **به سوی معشوق**

بالاخره آن شب هولناک به پایان رسید و علی(ع) در تاریکی سحر، برای ادای نماز صبح به سوی مسجد حرکت کرد. مرغابیانی که در خانه بودند، در پی او رفتند و به جامه اش آویختند. بعضی خواستند آن ها را از او دور کنند. فرمود: «دَعُوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ صَوَائِحُ تَتْبَعُهَا نَوَائِحُ» یعنی: آن ها را به حال خود بگذارید که فریاد کنندگانی هستند که نوحه گرانی در پی دارند. امام حسن(ع) گفت: این چه فال بدی است که می زنید؟ فرمود: ای پسر، فال بد نمی زنم، لیکن دل من گواهی می دهد که کشته خواهم شد. اُمّ کلثوم از گفتار امام(ع) پریشان شد و عرض کرد: دستور بفرمایید که جعده به مسجد برود و با مردم نماز بگزارد. حضرت فرمود: از قضای الهی نمی توان گریخت. آن گاه کمربند خود را محکم بست و در حالی که این دو بیت را زمزمه می کرد، عازم مسجد شد: «أَشْدُدْ حَیَازِیمَکَ لِلْمَوْتِ - فَإِنَّ الْمَوتَ لاقِیکا / وَلا تَجْزَعْ مِنَ الْمَوْتِ - إِذا حَلَّ بِوادِیکا» یعنی: کمر خود را برای مرگ محکم ببند، زیرا مرگ تو را ملاقات خواهد کرد و از مرگ، آن گاه که به سوی تو درآید، جزع و فریاد مکن.

■ **رستگار شدم...**

امام(ع) وارد مسجد شد و به نماز ایستاد و تکبیر افتتاح گفت و پس از قرائت به سجده رفت. در این هنگام ابن ملجم در حالی که فریاد می زد: «لله الْحُکْمُ لا لَکَ یا عَلِیُّ»، با شمشیر زهرآلود ضربتی بر سر مبارک علی(ع) وارد آورد و فرق مبارک آن حضرت را تا پیشانی شکافت ... خون از سر علی(ع) در محراب جاری شد و محاسن شریفش را رنگین کرد. در این حال آن حضرت فرمود: «فُزْتُ وَ رَبِّ الْکَعْبَةِ» : به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «مِنْها خَلَقْناکُمْ وَ فِیها نُعِیدُکُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُکُمْ تارَةً أُخْرى» علی(ع) وقتی ضربت خورد فریاد زد: او را بگیرید. مردم از پی ابن ملجم شتافتند و کسی به او نزدیک نمی شد مگر آنکه او را با شمشیر خود می زد.

پس قثم بن عبّاس پیش تاخت و او را بغل گرفت و به زمین کوبید. چون او را به نزد علی(ع) آوردند، به او گفت: پسر ملجم؟ گفت: آری. وقتی حضرت ضارب را شناخت، به فرزندش حسن فرمود: مواظب دشمنت باش، شکمش را سیر و بندش را محکم کن. پس اگر مُردم او را به من ملحق کن تا در نزد پروردگارم با او احتجاج کنم و اگر زنده ماندم یا او را می بخشم یا قصاص می کنم. حسنین(ع) به اتّفاق بنی هاشم، علی(ع) را در گلیم گذاشتند و به خانه بردند ... قدری شیر برای آن حضرت آوردند.

کمی از آن شیر را نوشید و فرمود به زندانی خود نیز از این شیر بدهید و او را اذیّت نکنید. هنگامی که امام(ع) ضربت خورد، پزشکان کوفه به بالین وی گرد آمدند. در بین آنان از همه ماهرتر اثیر بن عمرو بود که جراحات را معالجه می کرد. وقتی او زخم را دید دستور داد شُش گوسفندی را که هنوز گرم است برای او بیاورند. سپس رگی از آن بیرون آورد و در محل ضربت قرار داد و آن گاه که آن را بیرون آورد، گفت: یا علی وصیّت های خود را بکن، زیرا این ضربت به مغز رسیده و معالجه مؤثّر نیست. در این هنگام امام(ع) کاغذ و دواتی خواست و وصیّت خود را خطاب به دو فرزندش حسن و حسین (علیهما السلام) نوشت.

■ **وصیتی برای همگان**

این وصیّت، گرچه خطاب به حسنین(ع) است، ولی در حقیقت برای تمام بشر تا پایان عالم است. این وصیّت را عدّه‌ای از محدّثان و مورّخانی که قبل از مرحوم سیّدرضی و بعد از او می زیسته اند با ذکر سند نقل کرده اند. البتّه اصل وصیّت بیشتر از آن است که مرحوم سیّد رضی در نهج البلاغه آورده است. اینک قسمتی از آن را می آوریم: أُوصِیکُما بِتَقْوَی ا... وَ أَنْ لا تَبْغِیَا الدُّنْیا وَ إِنْ بَغَتْکُما وَ لا تَأَسَّفا عَلی شَیْءٍ مِنْها زُوِیَ عَنْکُما وَ قُولا بِالْحَقِّ وَ اعْمَلا لِلأَجْرِ وَ کُونا لِلظّالِمِ خَصْماً وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْناً؛ شما را به تقوا وترس از خدا سفارش می کنم و اینکه در پی دنیا نباشید، گرچه دنیا به سراغ شما آید و بر آن چه از دنیا از دست می دهید، تأسّف مخورید. سخن حق را بگویید و برای اجر و پاداش (الهی) کار کنید و دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید. أُوصِیکُما وَ جَمِیعَ وَلَدی وَ أَهْلی وَ مَنْ بَلَغَهُ کِتابی بِتَقْوَی ا... وَ نَظْمِ أَمْرِکُمْ وَ صَلاحِ ذاتِ بَیْنِکُمْ، فَإِنِّی سَمِعْتُ جَدَّکُمْ(ص) یَقُولُ: «صَلاحُ ذاتِ الْبَیْنِ أَفْضَلُ مِنْ عامَّةِ الصَّلاةِ وَ الصِّیامِ»؛ من، شما و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی را که این وصیت نامه به آنان می رسد به تقوا و ترس از خداوند و نظم امور خود و اصلاح ذات البین سفارش می کنم، زیرا که من از جدّ شما(ص) شنیدم که می فرمود: اصلاح میان مردم از یک سال نماز و روزه برتر است. ا... ا... فِی الأَیْتام فَلا تَغِبُّوا أَفْواهَهُمْ وَ لا یَضِیعُوا بِحَضْرَتِکُمْ. وَا... ا... فِی جِیرانِکُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِیَّةُ نَبِیِّکُمْ. ما زالَ یُوصِی بِهِمْ حَتَّی ظَنَنَّا أَنَّهُ سَیُوَرِّثُهُمْ؛ خدارا، خدارا، در مورد یتیمان؛ نکند که گاهی سیر و گاهی گرسنه بمانند؛ نکند که در حضور شما، در اثر عدم رسیدگی، از بین بروند. خدارا خدارا، که در مورد همسایگان خود خوش رفتاری کنید، چرا که آنان مورد توصیه و سفارش پیامبر شما هستند. وی همواره نسبت به همسایگان سفارش می فرمود تا آنجا که ما گمان بردیم به زودی سهمیه ای از ارث برایشان قرار خواهد داد. وَا... ا... فِی الْقُرآنِ لا یَسْبِقُکُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَیْرُکُمْ. وَا... ا... فِی الصَّلاةِ فَإِنَّها عَمُودُ دِینِکُمْ وَا... ا... فِی بَیْتِ رَبِّکُمْ لا تَخْلُوهُ ما بَقِیتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تُرِکَ لَمْ تُناظَرُوا؛ خدارا، خدارا، در توجه به قرآن؛ نکند که دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند. خدارا، خدارا، در مورد نماز، که ستون دین شماست. خدارا، خدارا، در مورد خانه پروردگارتان؛ تا آن هنگام که زنده هستید آن را خالی نگذارید که اگر خالی گذارده شود مهلت داده نمی شوید و بلای الهی شما را فرا می گیرد. وا... ا... فِی الْجِهادِ بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ وَ أَلْسِنَتِکُمْ فِی سَبِیلِ ا... وَ عَلَیْکُمْ بِالتَّواصُلِ وَ التَّباذُلِ وَ إِیّاکُمْ وَ التَّدابُرَ وَ التَّقاطُعَ. لا تَتْرُکُوا الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ فَیُوَلَّی عَلَیْکُمْ شِرارُکُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلا یُسْتَجابُ لَکُمْ؛ خدارا، خدارا، در مورد جهاد با اموال و جان ها و زبان های خویش در راه خدا و بر شما لازم است که پیوندهای دوستی و محبّت را محکم کنید و بذل و بخشش را فراموش نکنید و از پشت کردن به هم و قطع رابطه برحذر باشید. امر به معروف و نهی از منکر را ترک مکنید که اشرار بر شما مسلّط می شوند و سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی شود.

سپس فرمود: ای نوادگان عبدالمطّلب، نکند که شما بعد از شهادت من دست خود را از آستین بیرون آورید و در خون مسلمانان فرو برید و بگویید امیر مؤمنان کشته شد و این بهانه ای برای خونریزی شود. أَلا لا تَقْتُلُنَّ بِی إِلاّ قاتِلی. انْظُرُوا إِذا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هذِهِ فَاضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبَةٍ، وَ لا تُمَثِّلُوا بِالرَّجُلِ، فَإِنِّی سَمِعْتُ رَسُولَ ا... (ص) یَقُولُ: «إِیّاکُمْ وَ الْمُثْلَةَ وَ لَوْ بِالْکَلْبِ الْعَقُورِ»؛ آگاه باشید که به قصاص خون من تنها قاتلم را باید بکشید. بنگرید که هرگاه من از این ضربت جهان را بدرود گفتم، او را تنها یک ضربت بزنید تا ضربتی در برابر ضربتی باشد. زنهار که او را مُثله نکنید که من از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: «از مثله کردن بپرهیزید، گرچه نسبت به سگ گزنده باشد.»

■ **لحظات وداع با امیر مؤمنان(ع)**

فرزندان امام(ع) خاموش نشسته بودند و در حالی که غم و اندوه گلوی آنان را می فشرد، به سخنان دلپذیر و جان‌پرور آن حضرت گوش فرا می دادند. امام(ع) در پایان این وصیت از هوش رفت و چون مجدداً چشمان خود را باز کرد، فرمود: «ای حسن، با تو سخنی چند دارم. امشب شب آخر عمر من است. چون در گذشتم با دست خود مرا غسل بده و کفن کن و خود شخصاً مباشر اعمال کفن و دفن من باش و بر جنازه من نماز بخوان و در تاریکی شب جنازه مرا دور از شهر کوفه مخفیانه به خاک بسپار تا کسی از آن با خبر نشود.»

علی(ع) دو روز زنده بود و در شب جمعه نخستین روز از دهه آخر ماه رمضان (شب بیست ویکم سال ۴۰ هجری)، در ۶۳ سالگی، بدرود حیات گفت. پسر گرامی اش امام حسن(ع) او را با دست خود غسل داد و بر او نماز خواند. در نماز هفت تکبیر گفت و سپس فرمود: «أَما إِنَّها لا تُکَبَّرُ عَلی أَحَدٍ بَعْدَهُ». یعنی: بدانید که پس از علی(ع) بر پیکر هیچ کس هفت تکبیر گفته نمی شود. علی(ع) در کوفه، در جایی به نام «غری» (نجف اشرف فعلی)، دفن شد. دوران خلافتش چهار سال و ده ماه بود.

> مرغابیانی که در خانه بودند در پی امیر المؤمنین(ع) رفتند و به جامه اش آویختند. بعضی خواستند آن ها را از او دور کنند. امام(ع) فرمود: «دَعُوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ صَوائِحُ تَتْبَعُها نَوائِحُ» یعنی: آن ها را به حال خود بگذارید که فریاد کنندگانی هستند که نوحه گرانی در پی دارند. امام حسن(ع) گفت: ای پسر، فال بد می زنید؟ فرمود: نه، لیکن دل من گواهی می دهد که کشته خواهم شد

مشاوره حقوقی

خوانندگان محترم! در صفحه ۱۰ روزنامه خراسان، پاسخگوی پرسش های حقوقی شما هستیم. شما می توانید پرسش های خود را در تمام زمینه های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفا در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: آیا کسی که مالی را به دیگری بخشیده است، می تواند بعد از چند سال آن را مطالبه کند؟ توضیح اینکه مال بخشیده شده، خرج شده است.

پاسخ: در صورتی که مال بخشیده شده به دیگری واگذار شده باشد، واهب (کسی که مال را بخشیده است) نمی تواند آن را مطالبه کند. ماده ۷۹۵ قانون مدنی در تعریف هبه بیان می کند: «هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک [واگذار] می کند.» به انصراف از هبه (بخشش) در اصطلاح رجوع از هبه گفته می شود.

هبه اصولاً قابل رجوع است مگر در مواردی که مطابق ماده ۷۹۵ استثنائاً غیر قابل رجوع است. یعنی کسی که مالی را به دیگری بخشیده است، اصولاً می تواند از بخشش خود صرف نظر کند و مال مورد هبه را بازپس گیرد، مگر در موارد خاصی که قانون گذار هبه را غیر قابل رجوع دانسته است. در این موارد نمی توان از هبه رجوع کرد: ۱- مال بخشیده شده از بین رفته باشد. ۲- مال مورد هبه دیگر در ملکیت دریافت کننده نبوده و به دیگری واگذار شده باشد. ۳- واهب یا متهب فوت کرده باشد. ۴- پدر و مادر به فرزندان یا فرزندان به پدر و مادر مالی را بخشیده باشند. (ماده ۸۰۳ قانون مدنی)

پرسش: خودرویی را خریداری کردم. بعد از قولنامه و صدور سند، فروشنده خودرو را به من تحویل داد. دو روز بعد متوجه شدم که موتور آن ایراد اساسی دارد و ادعای فروشنده مبنی بر سالم بودن موتور کذب است. به‌وی مراجعه کردم؛ اما مدعی شد که معامله انجام شده است و بر اساس متن قولنامه، من تمام خیارات را از خود ساقط کرده‌ام. سوالم این است که اولاً، منظور از خیارات چیست و ثانیاً، آیا می توانم برای گرفتن حقم به دادگاه شکایت کنم؟

پاسخ: خیار در دانش حقوق به معنای «اختیار فسخ معامله» است. در مواردی مشخص و به موجب قانون یا توافق طرفین در قرارداد، یکی از طرفین حق فسخ معامله را خواهد داشت. به چنین حقی، «خیار» گفته می شود. می توانید با ارسال اظهارنامه ای، فوراً به فروشنده اعلام کنید که با توجه به «خیار تدلیس»، معامله را فسخ کرده اید و درخواست کنید مبلغ پرداخت شده را به شما مسترد کند. در صورت عدم استرداد مبلغ، به دادگاه عمومی حقوقی یا شورای حل اختلاف (در صورتی که خواسته شما کمتر از ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان است) دادخواستی به خواسته «احراز فسخ معامله و الزام خوانده به استرداد ثمن» تقدیم کنید. گاهی طرفین برای اطمینان از قطعیت معامله، شروطی در قرارداد درج می کنند که به موجب آن، معامله تا حدود زیادی قطعیت یافته و هیچ کدام حق فسخ آن را نخواهند داشت؛ مانند درج عبارت «طرفین کافه خیارات را اسقاط کردند».

به طور معمول، در چنین مواردی، نمی توان به بسیاری از موارد ایجاد حق فسخ استناد و قرارداد را فسخ کرد. یکی از این موارد، اختیار فسخ معامله در صورتی است که در موضوع معامله عیبی آشکار شود که هنگام انعقاد قرارداد از چشم خریدار مخفی بوده است. از سوی دیگر، تمام موارد حق فسخ با توافق طرفین قابل اسقاط نیست. یکی از این موارد، «خیار تدلیس» است. تدلیس یعنی پوشاندن و فریب دادن. خریداری که قصد دارد با استناد به خیار تدلیس معامله را فسخ کند باید اثبات کند که فروشنده آگاهانه و عامدانه عیب موضوع معامله را پوشانده و خریدار را «فریب» داده است. معمولاً اثبات این ادعا دشوار است.

آگهی ابلاغ دادنامه
بدین‌وسیله پیرو آگهی های قبلی به آقای سیدارشاد حسینی بریدخانی فرزند سیدباشا فعلا مجهول‌المکان ابلاغ می‌شود در مورد شکایت ۱- بانک ملی ۲- محمد طیرانی بهشری علیه شما دایر بر کلاهبرداری و جعل و استفاده از سند مجعول به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۹۲۷۰۰۳۱۴ در پرونده کلاسه ۱۲۷/۹۵۰۳۲۱ به تحمل هفت سال حبس تعزیری، بابت کلاهبرداری و نیز دو سال حبس بابت جعل اسناد (چک) و از جهت استفاده از سند با چک یا جعل نیز دو سال حبس تعزیری که مجازات اشد قابل اجرا می‌باشد، محکوم شده‌اید. مراتب بدین‌وسیله در روزنامه درج می‌گردد رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این دادگاه است. م الف ۱۵۳۸۴
مدیر دفتر شعبه ۱۲۷ دادگاه کیفری دو مشهد
۹۶۰۵۸۲۰۰/م

شماره بایگانی شعبه ۹۶۰۲۶۵ آگهی وقت رسیدگی
متهمین اسماعیل سلطانی فرزند علی اکبر و امیر گودرزی بیری فرزند حسین و محمد مرشدلو خرو علیا فرزند شیرمحمد و مهدی عابدی به کلاسه بایگانی ۱۳۸/۹۶۰۲۶۵ به اتهامات شرکت در جعل و استفاده از سند مجعول و تبانی برای بردن مال غیر از تاریخ نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به واسطه معلوم نبودن محل اقامت نامبرده و به تجویز ماده ۴۴۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تحت تعقیب قانونی می‌باشد مراتب در روزنامه آگهی نامبرده در وقت رسیدگی روز چهارشنبه ۹۶/۴/۲۸ صبح ساعت ۱۱:۳۰ در این شعبه ۱۲۸ دادگاه کیفری جزایی ۲ مشهد حاضر و از اتهام انتسابی دفاع نمایید. در ضمن جهت ملاحظه کیفرخواست می‌توانید در این شعبه حاضر شوید. م الف ۱۴۵۵۳ مدیر دفتر دادگاه کیفری ۲ شعبه ۱۲۸ دو مجتمع امام خمینی شهر مشهد- زارعی استان خراسان رضوی- شهرستان مشهد- ابتدای بلوار شهید مدرس
۹۶۰۵۸۷۰۵/م

شماره بایگانی شعبه ۹۵۰۳۵۷ آگهی ابلاغ دادنامه
بدین‌وسیله پیرو آگهی‌های منتشره قبلی به آقای محمد دیلمقانی فرزند حاج غلام فعلا مجهول‌المکان ابلاغ می‌شود در مورد دادخواست آقای محمدرضا بی‌طرفدرد فرزند جواد به طرفیت شما به خواسته الزام به تنظیم سند رسمی ملک و اثبات عقد بیع به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۷۶۹۰۰۲۱۵ - ۹۶/۳/۱۱ در پرونده کلاسه ۱۹/۹۵۰۳۵۷ به اثبات عقد بیع و تنظیم سند رسمی مشاعی در خصوص یک قطعه زمین به مساحت ۳۲۰ مترمربع دارای پلاک ثبتی ۱۲۴۵ فرعی از ۱۸۴ اصلی بخش ۱۰ مشهد و هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل در حق خواهان محکوم شده‌اید مراتب بدین‌وسیله در روزنامه درج می‌گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این دادگاه می‌باشد. م الف ۱۵۳۷۸
مدیر دفتر شعبه ۱۹ دادگاه حقوقی مشهد
۹۶۰۵۸۲۳۵/م

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۶۶۱ آگهی ابلاغ اجرائیه
بدین‌وسیله پیرو آگهی‌های قبلی به خانم‌ها ۱- معصومه تاجیک فرزند محمداسماعیل ۲- فاطمه تاجیک فرزند حسن ۳- زهرا تاجیک فرزند حسن مجهول‌المکان ابلاغ می‌گردد طبق دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۷۶۰۱۴۳۳ در پرونده کلاسه ۲۶/۹۵۰۶۴۱ به پرداخت مبلغ ۲۶۰ میلیون ریال به علاوه هزینه‌های دادرسی محکوم شده‌اید و اجرائیه علیه شما صادر گردیده است. لذا ظرف ۱۰ روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر این صورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول محکوم به با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۱۵۳۹۱
مدیر دفتر شعبه ۲۶ دادگاه حقوقی مشهد- مهدی زواری
۹۶۰۵۸۲۰۹/م

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۷۵۵ آگهی ابلاغ اجرائیه
بدین‌وسیله پیرو آگهی‌های قبلی به آقای ۱- حمیدرضا امیرزاد فرزند جان‌محمد ۲- علیرضا کرمی فرزند محمدرضا مجهول‌المکان ابلاغ می‌گردد طبق دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۷۶۰۱۵۷۵در پرونده کلاسه ۲۶/۹۵۰۷۵۵ به پرداخت مبلغ ۲۳۰میلیون ریال به علاوه هزینه‌های دادرسی و خسارت تاخیر تادیه محکوم شده‌اید و اجرائیه علیه شما صادر گردیده است. لذا ظرف ۱۰ روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر این صورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول محکوم به با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۱۵۳۸۹
مدیر دفتر شعبه ۲۶ دادگاه حقوقی مشهد- مهدی زواری
۹۶۰۵۸۲۱۱/م

شماره بایگانی شعبه ۹۵۰۳۰۷ آگهی ابلاغ دادنامه
بدین‌وسیله پیرو آگهی‌های منتشره قبلی به آقای امیریوسف توتونچیان فرزند علی‌آقا فعلا مجهول‌المکان ابلاغ می‌شود در مورد دادخواست خاتم آیلین توتونچیان فرزند علی‌آقا به طرفیت شما به خواسته اعسار از هزینه دادرسی در مرحله بدوی به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۷۶۹۰۰۱۶۲ - ۹۶/۲/۲۷ در پرونده کلاسه ۱۹/۹۵۰۳۰۷ حکم به رد دعوی خواهان صادر شده است. مراتب بدین‌وسیله در روزنامه درج می‌گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این دادگاه می‌باشد. م الف ۱۵۳۷۶
مدیر دفتر شعبه ۱۹ دادگاه حقوقی مشهد
۹۶۰۵۸۲۳۸/م

شماره بایگانی شعبه ۹۵۰۳۳۹ آگهی ابلاغ دادنامه
بدین‌وسیله پیرو آگهی های قبلی به آقای مجید فرهادمنش فعلا مجهول‌المکان ابلاغ می‌شود در مورد دادخواست سیدمهدی موشوی ازغدی علیه شما در کلاسه پرونده ۲۸/۹۵۰۳۳۹ به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۷۷۸۰۱۹۳ به پرداخت ۸۳۵/۰۰۰/۰۰۰ به انضمام خسارات دادرسی و خسارت تاخیر تادیه محکوم شده‌اید. مراتب بدین‌وسیله در روزنامه درج می‌گردد رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این دادگاه است. م الف ۱۵۳۸۰
مدیر دفتر شعبه ۲۸ مجتمع امام خمینی مشهد- اسماعیل کاشکی
۹۶۰۵۸۲۲۵/م

شماره بایگانی شعبه ۹۶۰۰۰۴ آگهی ابلاغ دادنامه
بدین‌وسیله پیرو آگهی‌های منتشره قبلی به آقایان ۱- سعید عدالتیان‌راد فرزند حسن ۲- محمد رضایی فرزند غلامرضاقعلا مجهول‌المکان ابلاغ می‌شود در مورد دادخواست بانک سینا به طرفیت شما به خواسته مطالبه وجه چک به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۷۶۹۰۰۲۷ - ۹۶/۳/۱۱ در پرونده کلاسه ۱۹/۹۶۰۰۰۴ به پرداخت تضامنی مبلغ ۲۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید لغایت یوم‌الوصول که بر اساس شاخص تورم بانک مرکزی توسط مدیر محترم اجرا محاسبه خواهد شد و پرداخت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل در حق خواهان محکوم شده‌اید مراتب بدین‌وسیله در روزنامه درج می‌گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این دادگاه می‌باشد. م الف ۱۵۲۷۷
مدیر دفتر شعبه ۱۹ دادگاه حقوقی مشهد
۹۶۰۵۸۲۳۷/م

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۳۰۷ آگهی ابلاغ دادخواست تجدیدنظرخواهی
پیرو آگهی‌های منتشره قبلی بدین‌وسیله به آقای امیریوسف توتونچیان فرزند علی‌آقا فعلا مجهول‌المکان که از دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۷۶۹۰۰۱۶۲ - ۹۶/۲/۲۷ صادره از شعبه ۱۹ دادگاه حقوقی مشهد توسط خانم آیلین توتونچیان فرزند علی‌آقا تقاضای تجدیدنظرخواهی شده که به علت مجهول‌المکان بودن شما مراتب در روزنامه درج تا ظرف ده روز از تاریخ درج در روزنامه در دادگاه حاضر و ضمن اعلام آدرس کامل خود نسخه ثانی دادخواست تجدیدنظرخواهی را دریافت و پاسخ آن را نیز اعلام نمایید. پس از گذشت مهلت فوق سایر اقدامات به عمل خواهد آمد. م الف ۱۵۲۷۵
مدیر دفتر شعبه ۱۹ دادگاه حقوقی مشهد- رجب‌زاده
۹۶۰